



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The role of lordly ownership in the Iranian farmsteads from the 19th century until now; with a focus on Qazibala Farmstead in Qom

Hosein Raie * 

Assistant Professor, Faculty of Architecture and
environmental Design, Iran University of Science
and Technology, Iran.

Introduction

Throughout history, Iranians' livelihoods were contingent on agriculture and farming, and affluent landowners and lords were regarded as noble and high social strata. Existing historical and archaeological records and documents demonstrate agricultural heritage sites in Iran's cultural area. Some are related to farmsteads, which developed from the early Islamic ages to the twentieth century and were utilized for centuries as a means of subsistence and commerce.

They had four ownership system types: endowment, lordship, court and regality. Personal and lordship farmsteads were administered and economically exploited by the owner and lord of the farmstead. The owner supervises the dredging of the qanats to the restoration of the connected features, and he covers the expenditures, but court farmsteads were handed up to officials and princes instead of their rights, and a part of its income was paid to the central government as a tax. The regality farmsteads also belonged to the king and the royal family and were leased to others. A number of farmsteads with quadruple ownership gradually came under lordly ownership during the Qajar and Pahlavi periods. Historical farmsteads have undergone physical and functional changes as a result of this type of ownership, which has called into question the authenticity and identity of the sites in light of political, social, and economic developments in Iran during and after this time.

Problem statement

The moot point of the research is the need for a deeper understanding of the relationship between lordly ownership and the life of Iranian farmsteads during the Qajar and Pahlavi periods, and this article aims to introduce the influential elements

* **Corresponding Author:** hoseinraie@iust.ac.ir

How to Cite: Raie, H. (2024). The role of lordly ownership in the Iranian farmsteads in the Qajar and Pahlavi periods; with a focus on Qazibala Farmstead in Qom, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 11(21), 1-39.

using the interpretive approach and historical interpretive strategy. This article attempted to analyze the topic in the context of political, social, and economic events during the Qajar and Pahlavi periods in connection to the architecture of farmsteads, as well as to delve into greater detail using the Qazibala farmstead as a case study.

Finding

This farmstead is located near the city of Qom in the hot and dry climate of Iran and belongs to the Khalaj family. During the Qajar period, this family chose this place for the production of agricultural products and economic exploitation due to the presence of suitable water sources and fertile lands, and they were able to provide the necessary human resources by gathering subjects from the surrounding areas and settling them inside the fences of the farmstead. The owner of the Qazibala farmstead was Mohammad Hossein Khan Khalaj, the commander of the army during the period of Mohammad-Shah Qajar, and naturally, this farmstead was also the place of travel and residence of the kings and nobles of the country. Hasan Ali Khan Afshar and Naser al-Din Shah visited the Qazibala farmstead and its mansion during the Qajar period. According to historical records, the Qazibala farmstead had a consistent population, with 226 individuals living there by the end of land reform in 1967.

According to aerial photographs from the 1960s, the farmstead's primary structure is of the "Agriculture Castle" type, with physical parts added to satisfy the farm residents' residential, defence, service, and religious needs. Water supply was an important issue during the formation of the farmstead; For this reason, before the formation of the farmstead, the lords had purchased water sources and qanats connected to it, namely Dehkan Qanat, Qazi Qanat and Firoozabad Qanat, and assigned duties for each qanat line. They produced winter and summer crops such as wheat, barley, alfalfa, pomegranate, grapes, almonds and berries, and before the silkworm disease in Iran in 1860, they produced silk and then cotton and exported them to the cities of Yazd and Kashan and the country of Russia and were in contact with the outside world.

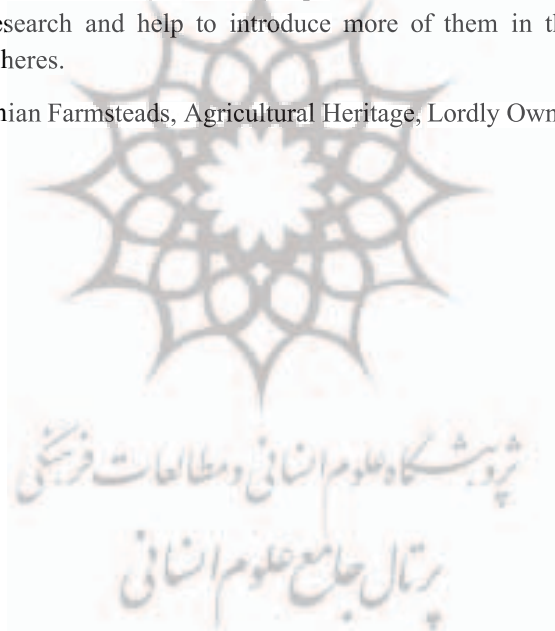
Conclusions

The results from Qazibala farmstead reveal that farmstead life in the Qajar and Pahlavi periods went through three evolutionary stages, each influenced by four major elements. These factors were also the originators of physical and functional transformations in similar historical farmsteads because the majority of Iran's farmsteads were formed in a hot and dry climate with geographical, cultural, and

social similarities, and their emergence as a function of the complex equations of the governmental, political, and judicial economies. And they were used and administered across Iran using the same jurisprudential, economic, and social foundations. After the passing of centuries, these farmsteads are now in different states, some of them became ruins, some were renovated by new owners and they can operate in the fields of agritourism and farm-tourism with the same system of personal ownership in the form of a historical farmstead, and revive the agricultural system based on the modern water supply system and the use of local plant and tree species and help the economy of the region.

Preliminary investigations show that they can have a good relationship with GIAHS and be registered in the World Agricultural Heritage List. The five GIAHS criteria can be adapted to Iranian farmstead and investigated in an independent study. Also, examining the physical and non-physical similarities and differences between Iranian farmsteads with farmsteads in Europe and America in the future can widen the scope of research and help to introduce more of them in the domestic and international spheres.


Keywords: Iranian Farmsteads, Agricultural Heritage, Lordly Ownership, Qazibala, Giahs.





نقش مالکیت اربابی در زیست مزارع ایرانی در دوره‌های قاجار و پهلوی با نگاه ویژه به مزرعه قاضی‌بالا در قم

استادیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

حسین راعی * 

چکیده

معیشت ایرانیان در طول تاریخ با کشاورزی و مزرعه‌داری گره خورده بود و زمین‌داران بزرگ و اربابان از طبقه نجبا و طبقات بالای اجتماعی محسوب می‌شدند. منابع، اسناد تاریخی و باستان‌شناختی وجود دارند که آثار مرتبط به میراث کشاورزی در پهنه فرهنگی ایران را نشان می‌دهند. تعدادی از آنها مربوط به مزارعی هستند که از قرون اولیه اسلامی تا دوره پهلوی شکل گرفتند و قرن‌ها مورد بهره‌برداری اقتصادی و معیشتی قرار داشتند. آنها دارای ۴ نوع نظام مالکیتی وقفی، اربابی، دولتی و شاهی بودند و سپس تعدادی از آنها در دوره قاجار و پهلوی تحت مالکیت اربابی قرار گرفتند. این نوع از مالکیت در مواجهه با تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در این دوران و پس از آن موجب ایجاد تغییرات کالبدی و کارکردی در مزارع تاریخی شده و هویت و اصالت آنها را دچار چالش کرده است.

مسئله اصلی مقاله نیاز به شناخت عمیق‌تر درباره ارتباط بین مالکیت اربابی و زیست مزارع ایرانی در دوره قاجار و پهلوی است. این منظور با معرفی عوامل تأثیرگذار بر آن از طریق رهیافت تفسیری و راهبرد تفسیری تاریخی انجام خواهد شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که زیست مزارع در دوره قاجار و پهلوی به‌طور مشخص ۳ دوره تحولی را بر اساس ۴ عامل اصلی تجربه کرده است. بسیاری از این مزارع هم‌اکنون زنده هستند و می‌توانند با نظام مالکیت کنونی مورد احیاء و بهره‌برداری قرار گیرند. مالکان و ذینفعان می‌توانند آنها را در فهرست آثار ملی ایران به ثبت برسانند و برای مقاصد تولیدی و گردشگری مورد استفاده قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: مزارع ایرانی، میراث کشاورزی، مالکیت اربابی، قاضی‌بالا، جیاس.

۱. مقدمه

بر اساس نظر پژوهشگران در ایران دو نوع مزرعه از قرون اولیه اسلامی تا قرن ۱۴ هجری شکل گرفته است؛ مزرعه^۱ کشاورزی و مزرعه مسکون^۲ (بهشتی و راعی، ۱۳۹۵). در مزرعه کشاورزی، جمعیت ثابت و عناصر کالبدی وابسته به آن وجود ندارد و فقط کشاورزی توسط کشاورزان و مالکان انجام می‌شود؛ اما در مزرعه مسکون، علاوه بر تولید محصولات کشاورزی، سکونت در آن انجام می‌شود و دارای جمعیت ثابت است. همچنین عناصر کالبدی خدماتی، مسکونی، دفاعی، بهداشتی و مذهبی نیز در آن به تدریج و طی قرن‌ها ساخته شده است (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۶۷۹ و حسینی یزدی، ۱۳۴۱: ۶۵۵).

این مجتمع‌های زیستی کوچک از ترکیب سه پهنه کالبدی، کشتخوانی و عرفی (عکس ۱) در پاسخ به نیازهای اقتصادی و امنیتی حاکمان، اربابان، رعایا و سایر ذی‌نفعان به وجود آمده، در طول زمان به تکامل رسیده و در پیرامون شهرها و روستاهای بزرگ دیده می‌شوند. مزارع مسکون تاریخی دارای قابلیت‌های کارکردی و کالبدی و نظام‌های اشاره‌شده ذیل هستند که بنیان و اساس پایداری آن‌ها را تشکیل داده است.

۱. نظم جغرافیا و شکل‌گیری

۲. نظم کالبدی و معماری

۳. نظم حفاظت و نگهداری

۴. نظام فرهنگی و اجتماعی

۵. نظام اقتصادی و بهره‌برداری (راعی، ۱۳۹۹: ۶۸).

آن‌ها دارای ۴ نوع نظام مالکیتی شامل؛ وقفی، اربابی، دیوانی^۳ و خالصه^۴ بوده و بر اساس آن مدیریت می‌شدند (فوران، ۱۳۷۸: ۵۷ و پولاک، ۱۳۶۱: ۳۵۱). مزارع وقفی تابع نظام وقف بودند و می‌بایست توسط ناظر به‌طور دائم و بر حسب میزان درآمد مورد پایش

1. Farm
2. Farmstead

۳. منظور مالکیت دولتی است.

۴. تحت مالکیت شاه است.

قرار می‌گرفتند و درآمد حاصل از آن صرف امور مذهبی و حفاظت از خود مزرعه و عناصر کالبدی واقع در آن می‌شد (پسندیده، ۱۳۹۴: ۲۰-۲۶ و شیخ الحکمایی، ۱۳۸۸: ۹).

مزارع شخصی و اربابی توسط مالک و ارباب مزرعه مورد مدیریت و بهره‌برداری اقتصادی قرار می‌گرفت. از لایروبی قنات‌ها تا مرمت عناصر وابسته زیر نظر مالک، پایش و هزینه‌های آن توسط او پرداخت می‌شد (توانگر مروستی، ۱۳۹۴: ۲۶۷ و شفیعی، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۳)؛ اما مزارع دیوانی به عنوان تیول به صاحب‌منصبان و شاهزادگان به جای حقوق آنان واگذار می‌شد و بخشی از درآمد آن به عنوان مالیات به دولت مرکزی داده می‌شد. مزارع شاهی نیز متعلق به شاه و خانواده سلطنتی بود و به دیگران اجاره داده می‌شد (حبیب‌آبادی، ۱۳۶۴: ۶۴-۷۰).

مسئله اصلی مقاله نیاز به شناخت عمیق‌تر درباره ارتباط بین مالکیت اربابی و زیست مزارع ایرانی در دوره‌های قاجار و پهلوی است. بسیاری از آن‌ها مانند؛ مزرعه دولت‌آباد^۱، نصرت‌آباد^۲ و قاضی‌بالا که در پیرامون شهر قم ساخته شده‌اند، در وضعیت سالم باقی مانده‌اند و تعدادی از آن‌ها مانند؛ مزرعه گورت^۳ در اصفهان و مزرعه بالا عباس‌آباد در کاشان به تدریج تبدیل به مخروبه شده‌اند. هدف مقاله معرفی عوامل تأثیرگذار بر مالکیت اربابی در شکل‌گیری، توسعه و اضمحلال مزارع ایرانی است و پژوهشگران برای تدقیق موضوع از مزرعه قاضی‌بالا در قم به عنوان نمونه موردی سالم و کامل از یک مزرعه ایرانی استفاده خواهند کرد.

۱. مزرعه دولت‌آباد در قرن ۱۳ در پیرامون شهر قم توسط آقاخان ساخته شده است و دارای قلعه، آب‌انبار، آسیاب، قنات، حمام و خانه‌های رعیتی است. مساحت پهنه کالبدی تقریباً ۳ هکتار است. این مزرعه پس از اصلاحات ارضی ایران در قرن ۲۰ تبدیل به روستا شده است (راعی و بیگلری، ۱۴۰۰).
۲. مزرعه نصرت‌آباد نمونه مزرعه وقفی است که در پیرامون شهر قم ساخته شده است. این مزرعه توسط نصرت‌الممالک که از نزدیکان محمدشاه قاجار و فردی مذهبی بوده، در قرن ۱۹ ساخته شده و دارای قلعه، حمام، یخچال، قنات و زمین‌های کشاورزی است. این مزرعه هم‌اکنون توسط وراثت مالک در حال بازسازی و بهره‌برداری است.
۳. این مزرعه توسط بانو عظمی دختر ناصرالدین‌شاه در پیرامون شهر اصفهان ساخته شده و تا پیش از دوره اصلاحات ارضی سالم بود؛ اما در جریان انقلاب سفید و پس از آن به رعیت‌ها واگذار و به تدریج رو به ویرانی نهاد. این مزرعه دارای کوشک سه طبقه، مجموعه ورودی، اسطبل، فضاهای خدماتی، حصار، مجموعه رعیتی، کشتخوان و قنات است (جیحانی و عمرانی، ۱۳۹۳: ۴۸).

۲. پیشینه پژوهش

معرفی مزارع ایرانی در سال ۱۳۸۹ شمسی در مقاله‌ای با عنوان «مقدمه‌ای بر معماری مزارع در ایران» در مجله میراث ملی ایران انجام شد. سپس در دهه ۹۰ شمسی در دو مقاله جداگانه توسط (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۵) و (راعی، ۱۳۹۶) به تحلیل مزارع مسکون تاریخی در یزد و کاشان پرداخته شد. با ادامه پژوهش در این زمینه در مقالاتی چون (راعی و بیگلری، ۱۴۰۰)، (Raie & Kamrani, 2021)، (راعی، ۱۴۰۰) و (راعی، ۱۴۰۱) به موضوعاتی مانند نظام شکل‌دهنده و قابلیت‌های پنهان در معماری مزارع تاریخی، گونه‌شناسی مزارع مسکون در اقلیم گرم و خشک ایران و همچنین تحلیل کالبدی مزارع بالا عباس‌آباد و قاضی‌بالا در ایران اشاره شده است.

علاوه بر آن درباره مالکیت زمین در ایران نیز منابع بسیاری دیده می‌شوند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها کتاب‌های مالک و زارع (لمبتون، ۱۳۴۵)، اصلاحات ارضی در ایران (لمبتون، ۱۳۹۸)، کشاورزی ایران در دوره قاجار (فلور، ۱۳۹۹) و نظام‌های بهره‌برداری از زمین در ایران (خسروی، ۱۳۵۵) است. این منابع در حوزه‌های مرتبط با تاریخ اجتماعی و کشاورزی ایران نوشته شده‌اند و با ارائه اسناد معتبر به جوانب مختلف موضوع می‌پردازند. به جزء آن، الگوی مشابه با مزارع تاریخی ایران تحت عنوان «Farmstead» در سایر نقاط دنیا از جمله اروپا و آمریکا وجود دارد که با مزارع ایرانی دارای تشابهات و تفاوت‌هایی است. پژوهشگران زیادی فارم‌استد را با رویکردهای مختلف از جمله معماری مزارع، نظام مالکیت و روابط اقتصادی و اجتماعی موجود مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. یکی از قدیمی‌ترین مقالات در سال ۱۹۹۰ میلادی توسط «جان اس. ویلسون»^۱ منتشر شده است. او در این مقاله، به مزارع به عنوان یکی از مهم‌ترین سایت‌های تاریخی آمریکای شمالی اشاره می‌کند. در سال ۲۰۰۸ میلادی، «بن فورد»^۲ بر اساس مطالعات باستان‌شناسانه، یک مزرعه تاریخی را در جنوب شرقی انگلستان مورد بررسی قرار می‌دهد.

-
1. John S. Wilson
 2. Ben Ford

در سال ۲۰۱۷ «دنیل بروک^۱» و همکاران، مزرعه‌ای در جنوب شرقی تنسی، در ایالات متحده را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها، تغییر نظام مالکیتی و سیر تحول کالبدی این مزرعه را بررسی نمودند. در سال‌های اخیر، نیز مقالات متعددی در این زمینه منتشر شده است؛ از جمله، «ندرا کی. لی^۲» در سال ۲۰۲۰ مزارع تاریخی آمریکایی را با رویکرد نظام مالکیت مورد بررسی قرار می‌دهد. کلیه منابع اشاره شده درباره مزارع تاریخی ایران و فارم استد (که به نوعی مزارع اروپایی و آمریکایی محسوب می‌شوند) به انضمام ویژگی‌های کالبدی، کارکردی و مالکیتی آن‌ها، مطالبی را ارائه کرده‌اند اما این مقاله درصدد است تا موضوع را در بستر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوره‌های قاجار و پهلوی در ارتباط با معماری مزارع بررسی نماید و به جزئیات بیشتری بر اساس نمونه موردی پردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از این دریچه تاکنون کمتر به موضوع مزارع تاریخی ایران پرداخته شده است.

۳. روش تحقیق

این مقاله از سه منبع اصلی ذیل استفاده می‌کند:

۱. آثار مادی شامل؛ مزرعه قاضی‌بالا به عنوان نمونه موردی جهت بررسی دقیق‌تر

موضوع و سایر مزارع در اقلیم گرم و خشک ایران

۲. اسناد مکتوب شامل؛ کتب تاریخی و جغرافیای تاریخی مرتبط و تصاویر

۳. اسناد شنیداری شامل؛ مصاحبه با مالکان و کارگران و ذی‌نفعان محلی.

این مقاله از مزرعه قاضی‌بالا به عنوان نمونه موردی استفاده می‌کند و سیر تحول مالکیتی و تغییرات کالبدی ناشی از آن در سه دوره تاریخی از دوره قاجار تا هم‌اکنون مورد شناسایی قرار می‌گیرد. سپس در بخش بحث، عوامل مؤثر جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و انسانی بر این تحولات و تغییرات مورد کنکاش قرار می‌گیرد و به

1. Daniel W.H. Brock
2. Nedra K. Lee

نتیجه‌گیری می‌رسد. مطالعات میدانی و سند پژوهی ابزارهای اصلی این تحقیق هستند و از رویکرد تفسیرگرایی و راهبرد تفسیری - تاریخی در بخش بحث استفاده می‌شود. این فرایند نشان خواهد داد که نوع مالکیت اربابی در مسیر تحولات اجتماعی و سیاسی چه تأثیری بر موجودیت مزارع ایرانی داشته است.

۴. یافته‌ها؛ معرفی مزرعه قاضی بالا

مزرعه قاضی بالا در پیرامون شهر قم در اقلیم گرم و خشک ایران قرار گرفته است. خاندان خلج^۱ در دوره قاجار به دلیل وجود منابع آبی مناسب و زمین‌های حاصلخیز این مکان را برای تولید محصولات کشاورزی و بهره‌برداری اقتصادی انتخاب کردند و توانستند با گردآوری رعایایی از مناطق اطراف و سکونت آن‌ها در درون حصارهای مزرعه، منابع انسانی موردنیاز را تأمین کنند. علاوه بر مزرعه قاضی بالا مزارع دیگری چون؛ ابراهیم آباد، الله‌قلی بیگ، تاج خاتون، علی آباد و حاجیان نیز در این محدوده وجود دارند.

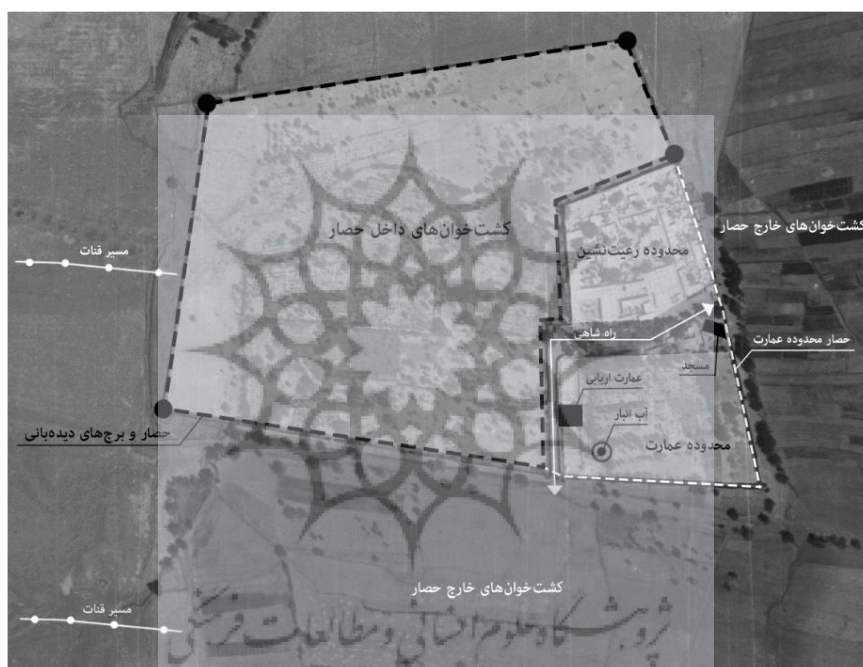
مالک مزرعه قاضی بالا، محمدحسین خان خلج بود که فرماندهی لشکر در دوره محمدشاه قاجار را بر عهده داشت و به‌طور طبیعی این مزرعه نیز محل تردد و اقامت شاهان و بزرگان کشور قرار می‌گرفت. حسن علی خان افشار و ناصرالدین شاه در دوره قاجار از قاضی بالا و عمارت اربابی بازدید کردند^۲ و ساخت عمارت را مربوط به دوره محمدشاه قاجار دانسته‌اند. بنابراین می‌توان احتمال داد که این مزرعه بین سال‌های ۱۲۲۲ تا ۱۲۶۴ هـ ق ساخته و مرمت شده است.

قاضی بالا همانند مزارع دیگر به‌طور جداگانه دارای سه محدوده؛ کالبدی، کشتخوانی و عرفی بوده است (راعی، ۱۴۰۰: ۴۵). در محدوده کالبدی که شامل حصار اول می‌شود،

۱. این طایفه در دوره قاجار و زمان سلطنت محمدشاه در خلیجستان قم و اراک ساکن بودند.

۲. در سفرنامه عتبات ناصرالدین شاه قاجار، (۱۲۸۷ هـ.ق) آمده است که «حاجی عیسی خان در قاضی که ملک اوست، عمارت بسیار عالی ساخته است و هنوز ناتمام است» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۵۴: ۲۶۲-۲۶۳) و یا در سفرنامه لرستان و خوزستان آمده است که «عمارت خوب ساخته شده و خانوار کمی در میان قلعه بودند و درخت توت میان قلعه، زیاد کاشته شده است» (افشار، ۱۳۸۲: ۷۳).

ساختمایه‌هایی مانند؛ عمارت اربابی، مسجد، حمام، آب‌انبار و خانه‌های رعیتی و برج و بارو شکل می‌گیرد. محدوده کشتخوانی در حصار دوم قرار دارد و شامل؛ زمین‌های کشاورزی، قنات و آبراه‌ها می‌شود. محدوده عرفی نیز به مراتع و چراگاه‌ها اختصاص دارد و خارج از حصار قرار گرفته است (عکس ۱). درون حصار به وسیله معبری به نام «شاه کوچه» به دو بخش اربابی و رعیتی تقسیم شده است.



عکس ۱- استقرار عناصر کالبدی مزرعه قاضی بالا در عکس هوایی ۱۳۴۷ ه.ش (نگارنده، ۱۴۰۲).

عمارت اربابی در انتهای باغ بزرگی به همراه آب‌انبار در بخش اربابی ساخته شده است و ورود به آن با ملاحظات خاصی همراه بوده است؛ اما عناصر کالبدی و خدماتی دیگر مانند؛ خانه‌های ساکنین مزرعه، مسجد و حمام در بخش رعیتی واقع شده است (عکس‌های ۲ و ۳). مزرعه‌نشینان دارای ارتباطات اجتماعی، فرهنگی و کالبدی با یکدیگر

بودند (راغی، ۱۴۰۰) و در مساحتی به اندازه ۱۷۰۰۰۰ مترمربع کار و زندگی اشتراکی داشتند (جدول ۱). موضوعاتی از قبیل؛ سفر، مراودات کالا به کالا، ازدواج، همیاری و کمک در تولید محصولات کشاورزی و شرکت در مراسم مذهبی و اعیاد در بین اهالی مزارع مختلف وجود داشت. حتی اربابان مزارع نیز در سطوح بالاتری با یکدیگر ارتباطات اقتصادی و سیاسی داشتند.

اسناد تاریخی نشان می‌دهند که مزرعه قاضی‌بالا دارای جمعیت ثابت بوده و هم‌زمان با پایان اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۶ شمسی ۲۲۶ نفر جمعیت داشته است (طرح هادی روستای قاضی‌بالا، ۱۳۸۷: ۲۸). ساختار اصلی مزرعه بر اساس عکس هوایی دهه ۴۰ شمسی از نوع «قلعه کشتخوانی»^۱ است و عناصر کالبدی وابسته به مزرعه برای رفع نیازهای سکونتی، دفاعی، خدماتی و مذهبی مزرعه‌نشینان به آن الحاق شده است.

تأمین آب موضوع بااهمیتی در زمان شکل‌گیری مزرعه بوده است؛ به همین دلیل اربابان پیش از شکل‌گیری مزرعه، منابع آبی و قنات متصل به آن به نام‌های قنات دهکان، قنات قاضی و قنات فیروزآباد را خریداری و برای هر رشته قنات وظایفی را تعیین کرده بودند. رشته‌های سه‌گانه می‌بایست پس از ورود به حریم مزرعه به آسیاب، کشتخوان‌ها و گرت‌ها وارد شوند و با مسئولیت میرآب^۲، دشتبان^۳ و بُنه‌دار^۴ آن بخش را سیراب کنند و در مرحله بعدی به مصارفی مانند؛ شستشو، استحمام و نوشیدن برسند. آن‌ها محصولات زمستانه و تابستانه از قبیل گندم، جو، بونجه، انار، انگور، بادام و توت تولید می‌کردند و تا پیش از بیماری کرم ابریشم در ایران در سال ۱۸۶۰ میلادی به تولید ابریشم و بعد از آن پنبه

۱. در گونه‌شناسی مزارع مسکون تاریخی در ایران تاکنون دو گونه اصلی به نام‌های؛ دسکره‌های کشتخوانی و مجموعه‌های کشتخوانی دیده شده است. در گونه قلعه کشتخوانی، دسکره یا قلعه به عنوان محور اصلی مزرعه مطرح است. زندگی و سکونت در قلعه جاری است و کشتخوان‌ها و زمین‌های زراعی در اطراف قلعه به وجود می‌آیند. مزرعه‌نشینان روزها را در کشتخوان‌ها به کار مشغول بودند و شب‌ها برای استراحت و خواب به قلعه می‌آمدند (Raie & Kamrani, 2021).

۲. مسئول حفاظت و تقسیم آب

۳. مسئول حفاظت از مزارع و کشتخوان‌ها

۴. مسئول یک گروه کاری در یک کشتخوان

و صادرات آن‌ها به شهرهای یزد و کاشان و کشور روسیه در خارج از کشور مشغول بودند (فلور، ۱۳۹۹: ۴۳۸) و با دنیای بیرون در ارتباط بودند (جدول ۱).

جدول ۱- ویژگی‌های کالبدی و کارکردی مزرعه قاضی‌بالا (نگارنده، ۱۴۰۲)^۱

ویژگی‌ها	معیارها	مشخصات	
ویژگی‌های کالبدی	استقرار (حضور عناصر کالبدی)	آسیاب، حمام، حسینیه، خانه اربابی، خانه رعیتی، قنات، آب‌انبار، سلخ (استخر آب)، زمین کشاورزی و باغ	
	ساختار، مصالح و تزیینات	ساختار وزنی و مصالح سنتی شامل؛ خشت، گل، چوب، آهک، گچ، آجر و سنگ.	
	الگوی معماری	قلعه کشتخوانی و با مساحت تقریبی ۱۷ هکتار	
	دوره تاریخی ساخت	دوره قاجار با الحاقات دوره پهلوی	
	وسعت تقریبی	ازبای نشین	۱۸۶۴ مترمربع
		عمارت اربابی	۴۳۷ مترمربع زیربنا در دو طبقه
		رعیت نشین	۱۴۰۳۶ مترمربع
		کشتخوان	تقریباً ۱۵۰۰۰۰ مترمربع
		کل مزرعه	تقریباً ۱۷۰۰۰۰ مترمربع
		نوع و میزان جمعیت	ثابت/ ۲۶۶ نفر در دهه ۴۰ شمسی
ویژگی‌های اجتماعی	نوع مالکیت	اربابی	
	طایفه و قوم	طایفه خلیج	
	دین / مذهب	اسلام / تشیع	
ویژگی‌های اقتصادی	میزان فعالیت کنونی	نیمه فعال و در حال بازسازی	
	نوع محصولات در گذشته	گندم، جو، یونجه صیفی جات: انار، انگور، بادام، توت	
	نوع دام در گذشته	گوسفند، بز، گاو و اسب، الاغ، قاطر	

۱. البته می‌توان به ویژگی‌های زیستی از قبیل آبی، خاکی، گیاهی و دامی نیز اشاره کرد. همچنین ویژگی‌های جامعه‌شناختی گیاهی، الگوی کشت و ژنتیک از مواردی هستند که می‌توانند مسیر پژوهش را در آینده مشخص کنند.



عکس ۲- ورودی مزرعه قاضی بالا در دهه ۴۰ شمسی (آرشیو خاندان وفایی، ۱۳۹۸)



عکس ۳- نمای جنوبی عمارت اربابی در مزرعه قاضی بالا (نگارنده، ۱۳۹۸)

۱.۴. مالکیت اربابی و هرم مالکیتی در مزرعه قاضی‌بالا

ایرانیان چون ثروتی به دست می‌آوردند، اغلب آن را به مصرف خرید ملک مزروعی می‌رساندند (رنه دالمانی، ۱۳۷۸: ۷۳).^۱ مالکیت شخصی موضوع بااهمیتی به لحاظ تأثیرگذاری در سایر مسائل اجتماعی و سیاسی قلمداد می‌شد. مزرعه قاضی‌بالا دارای مالک شخصی و ارباب بود و با نظام مالکیتی اربابی یا شخصی اداره می‌شد. دو سند تاریخی درباره مالکیت مزرعه و عمارت اربابی واقع در آن وجود دارد. سند اول مربوط به ناصرالدین شاه قاجار است. او در سفر به عتبات از این عمارت بازدید کرده و می‌نویسد: «این عمارت از آن اولاد محمدحسین خان خلج به نام‌های حاجی عیسی خان، علی‌اکبر خان و حاجی آقاخان است» (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۵۴: ۲۶۲-۲۶۳).

سند دوم، سفرنامه حسنعلی خان افشار به لرستان و خوزستان است. او در این سند عمارت را ساخته محمدحسین خان خلج می‌داند (افشار، ۱۳۸۲). بنابراین عمارت مزبور به لحاظ زمانی مربوط به دوره قاجار است. محمدحسین خان، نخستین ارباب مزرعه قاضی‌بالا از طایفه خلج بود. او از طرف محمدشاه قاجار به فرماندهی لشکر در اراک رسیده و مسئول تأمین امنیت راه‌ها بود. پدر او غفار خان نام داشت و او نیز از نزدیکان خاندان قاجار محسوب می‌شد. پس از محمدحسین خان، این عمارت به حاج اسحاق خان و سپس به فرزند او معتضدنظام می‌رسد. لطفعلی خان وفايي به عنوان آخرین مالک مزرعه، فرزند معتضدنظام و زینت‌الملوک از نوادگان ناصرالدین شاه قاجار بوده است (عکس ۵).

^۱ - هانری رنه دالمانی (۱۸۶۳-۱۹۵۰) کتابدار، تاریخ‌نگار و هنرشناس فرانسوی بود. دالمانی در سال ۱۸۹۹ م در سفر به خراسان از شهرهای مشهد، نیشابور، سبزوار و قوچان دیدن کرد. در آخرین سفری که به ایران داشت، تصمیم گرفت درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایرانیان به مطالعه بپردازد. بدین منظور در سفری سه‌ماهه از خراسان تا بختیاری، آنچه را که مشاهده کرده یا از دیگران شنیده بود، یادداشت کرد و عکس‌های فراوانی نیز تهیه نمود.



این مزرعه در طول زمان از دوره محمدشاه قاجار تا دوره پهلوی دوم توسعه پیدا کرد و توسط اربابان مختلف مدیریت می‌شد (اشکال ۶ تا ۹) آن‌ها برای راهبری مزرعه و تولید بهینه اقتصادی مزرعه را با هرم اجتماعی ویژه‌ای (عکس ۴) شکل داده بودند و خود در رأس آن قرار داشتند. اربابان کلیه امور مزرعه را به کسانی چون مباشران و کدخداها می‌سپردند و آن‌ها مسئول ایجاد نظم در بهره‌برداری از مزرعه، برداشت محصول و تقسیم آن بودند. در رده میانی افرادی چون دشتبان، حمامی، آسیابان، میرآب و سردانگ از طبقه رعیت انتخاب می‌شدند. زارعان و خویش‌نشین‌ها نیز در انتهای هرم انسانی قرار داشتند (راعی و بیگلری، ۱۴۰۰).

۲,۴. سیر تحول مالکیتی و تغییرات کالبدی مزرعه قاضی بالا از دوره قاجار تاکنون موضوع مالکیت و انواع آن، تأثیر مستقیمی در تغییرات کالبدی مزارع و توسعه و نابودی آن‌ها داشته است. مالکیت اربابی و شخصی در ایران به عنوان یکی از انواع

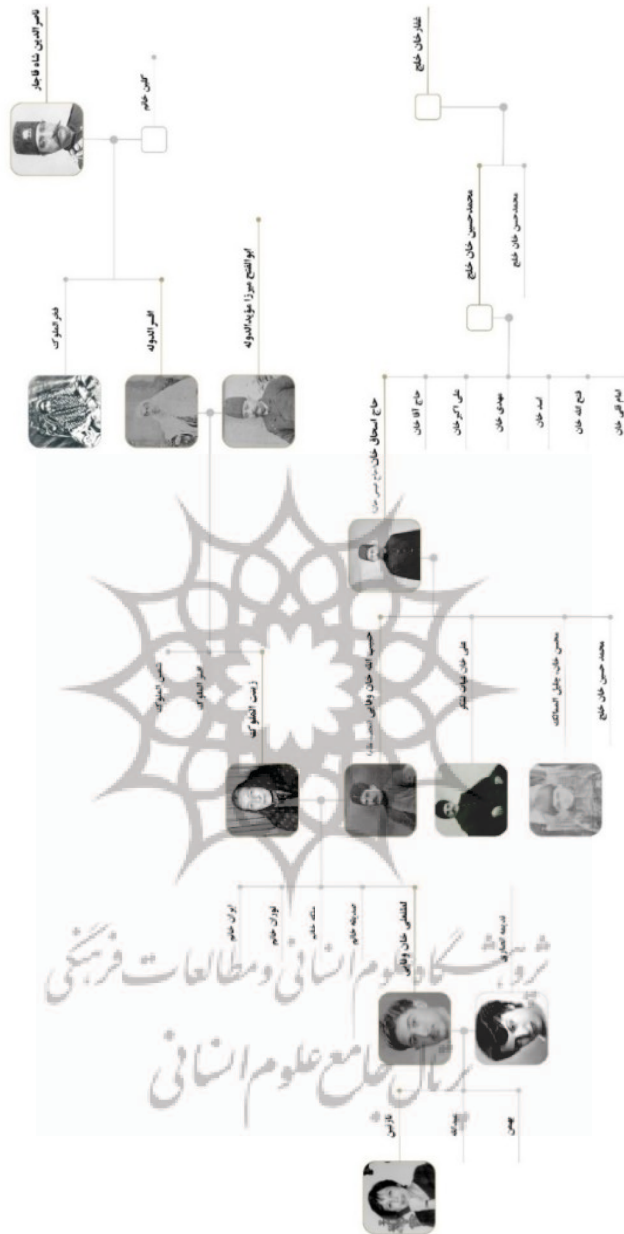
مالکیت‌ها تحت تأثیر تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار می‌گرفت (بهشتی و راعی، ۱۳۹۵). اربابان، مالکان و زمین‌داران از طبقه اجتماعی بالا و وابسته به دولت بودند. آن‌ها از نظر اقتصادی در سطح مناسبی قرار داشتند (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷) و توان اداره چندین مزرعه به عنوان تشکیلات تولیدی کشاورزی را دارا بودند.

عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌توانست بر شیوه‌های مدیریتی و بهره‌برداری از مزرعه تأثیر بگذارد و مسیر تغییرات و تحولات آن را مشخص نماید. این مقاله این مناسبات را در مزرعه قاضی‌بالا در ۳ دوره تاریخی از قرن ۱۹ تاکنون مورد بررسی قرار می‌دهد و به دلیل تشابه کالبدی و کارکردی آن با سایر مزارع در اقلیم گرم و خشک ایران نتایج آن را به مزارع دیگر تعمیم خواهد داد.

۱،۲،۴. دوره قاجار

در دوره قاجار نظام اجتماعی ارباب-رعیتی در ایران حکمفرما بود و افراد متمول، حاکمان و صاحب‌منصبان اغلب در تولید کشاورزی سرمایه‌گذاری و تجارت می‌کردند. اغلب مزارع مسکون باقیمانده و پابرجای از دوره‌های پیشین در قالب قلعه‌ها و مجموعه‌های کشتخوانی، مربوط به این دوره است. در این دوره به دستور شاه، حکام، بزرگان و حتی همت مردمان کشاورز، مزارعی برای توسعه کشاورزی، زراعت و اخذ مالیات و درآمد، ساخته و آماده می‌شود. در دوره قاجار، ادارهٔ املاک دیوانی یا دیوان خالصه، امور زراعت و کشاورزی در روستاها را اداره می‌کرد (افضل الملک، ۱۳۵۵: ۷۳).

نقش مالکیت اربابی در زیست مزارع ایرانی در...، راعی | ۱۷



عکس ۵- تبارشناسی مالکین عمارت اربابی در مزرعه قاضی‌بالا (نگارنده، ۱۴۰۲)

علاوه بر آن، سعی در تقویت امنیت در مقابل شرارت‌های مناطق مختلف به ویژه مرکز ایران بر ایجاد و نگهداری مزارع در این دوره تأثیرگذار بوده است. در اسناد مکتوبی مانند؛ (فرمانفرما، ۱۳۸۳)؛ (نظری داشلی‌برون و دیگران، ۱۳۸۴)؛ (طالب، ۱۳۷۶)؛ (امین‌لشکر، ۱۳۷۴) و (افضل‌الملک، ۱۳۶۰) به این موارد اشاره شده است.

در دوره قاجار به دلیل مخارج دولت و نیاز به درآمد بیشتر، زمین‌های خالصه از طریق فروش یا غصب، مبدل به ملک شخصی گردید^۱ (لمبتون، ۱۳۴۵: ۲۸۷). نظر ناصرالدین‌شاه نیز به دلیل رفتار ناعادلانه حکام بر این بود که خالصجات را به اعیان و سرکردگان بفروشد تا علاوه بر درآمدزایی، زمین‌ها آباد شود و اصلاحات اساسی نیز در وضعیت مردم به وجود بیاید (دهقان نژاد و ستوده، ۱۳۸۹). این افراد به‌طور معمول منتسب به طوایف بزرگ بودند و یکی از آن‌ها در مرکز ایران طایفه خلج بود. این طایفه مالک اصلی مزرعه قاضی‌بالا در دوره قاجار و زمان سلطنت محمدشاه بود.

خلج‌ها در خلیجستان قم و اراک ساکن شدند و محل استقرار خوانین آن‌ها قاضی‌بالا، راهجرد و آشتیان بود. مزرعه قاضی‌بالا در سفرهای بزرگان و کارگزاران حکومتی به مزار حضرت معصومه (س) به عنوان یک اقامتگاه مطرح بود و طی یک روز این مسیر پیموده می‌شد^۲. این موضوع توانسته است نام این مزرعه را در اسناد تاریخی، معتبر نشان دهد و بر اهمیت آن به عنوان یک مزرعه اربابی صحنه بگذارد.

مزرعه قاضی‌بالا در دوره قاجار از حالت تیول به مالکیت شخصی و اربابی درآمد و دارای دو حصار جداگانه چینه‌ای و خشتی به مساحت ۱۷ هکتار بود که وظیفه اصلی آن تولید پنبه و ابریشم و صادرات به یزد و کاشان و در برخی مواقع روسیه بوده است^۳. خلج‌ها

۱. ظل‌السلطان در خاطراتش درباره ویرانی و نابودی زمین‌های شاهی که مزارع بخشی از آن بود، می‌نویسد (ظل‌السلطان، ج ۲، ۱۳۶۸: ۶۸۳).

۲. در سفرنامه عتبات ناصرالدین‌شاه قاجار شرح مختصری از قاضی‌بالا، عمارت و منزل کردن آمده است (ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۵۴: ۲۶۲-۲۶۳).

۳. در دوره محمدشاه قاجار (۱۸۴۸ تا ۱۸۳۶) کارخانه‌های ریسندگی پنبه در ایران با همکاری کشورهای فرانسه و روسیه تأسیس شد و تقاضا برای کشت پنبه در مزارع زیاد شد و مزارعی مانند قاضی‌بالا و دولت‌آباد در قم در کنار بسیاری از مزارع در مرکز ایران به کشت پنبه برای ارسال به کارخانه‌های ریسندگی مشغول بودند (فلور، ۱۳۹۹).

زمین‌های قاضی‌بالا را از دولت در ازای خدمات دولتی گرفتند و سه رشته قنات به نام‌های قنات قاضی، قنات دهکان و قنات فیروزآباد را احیاء و به زمین‌های کشاورزی اضافه نمودند (حاج عظیم، رئیس شورای روستا، ۱۳۹۹). آن‌ها مزرعه را در سه بخش؛ حصار داخلی، حصار خارجی و کشتخوان‌ها ساماندهی کردند (عکس ۱). حصار داخلی مربوط به محل زندگی ارباب و رعایا و حصار خارجی به کشتخوان‌ها اختصاص داشته است. عمارت اربابی در دو طبقه در حصار داخلی و بخش ارباب‌نشین ساخته شده و مربوط به دوره قاجار است.

علاوه بر آن، باغ بزرگی در مقابل عمارت اربابی ساخته می‌شود و درختانی چون انار، انگور، بادام و توت در آن کاشته می‌شوند. این عمارت دارای ورودی و خروجی مستقیم به کشتخوان‌ها و معابر در جبهه غربی بوده است. به جزء آن، بناهای مسکونی دیگری در جبهه شمالی عمارت اربابی وجود دارند که متعلق به نزدیکان ارباب و همچنین خدمتکاران این خانواده بوده است (عکس‌های ۲ و ۳). در این مزرعه به دلیل ازدیاد جمعیت در دوره قاجار، مسجد و حمام نیز ساخته می‌شود و مورد استفاده مزرعه‌نشینان قرار می‌گیرد^۱ (عکس ۱).

میزان دقیق جمعیت در ابتدای شکل‌گیری مزرعه مشخص نیست؛ اما در سفرنامه لرستان و خوزستان اشاره شده است که عمارت خوب ساخته شده و خانوار کمی در میان قلعه بودند و درخت توت میان قلعه زیاد کاشته است (افشار، ۱۳۸۲: ۷۳). این اطلاعات نشان می‌دهد که قلعه و مزرعه در دوره قاجار و در آغاز شکل‌گیری دارای جمعیت ثابت و شناور بوده است. در این بازه زمانی مزرعه قاضی‌بالا با نظامی که تشریح شد، به فعالیت مشغول بود تا زمانی که در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی اولین مجلس شورای ملی تیول‌داری را لغو کرد و اساس مالکیت اربابی را زیر سؤال برد (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۵۳).

۱. حسنعلی‌خان افشار در دوره قاجار نیز از قلعه قاضی‌بالا، آب شیرین و عمارت اربابی خوب و جمعیتی که در آن زندگی می‌کردند، نوشته است و درختان توت، بید، برکه آب وسط قلعه و فاصله تا مرقد حضرت معصومه قم (س) را تشریح می‌کند (افشار، ۱۳۸۲: ۷۳-۷۴).

۲،۲،۴. دوره پهلوی

حکومت قاجار در نهایت به انقلاب مشروطه در ۱۹۰۵ م منجر شد. قانون انتخابات ۱۹۰۶ م حق رأی را منحصر به قبیله قاجار، علما، اشراف، تجار، مالکان و اصناف داد و کرسی‌های مجلس نیز در میان همین طبقات تقسیم شدند. طبقه زمین‌دار به عنوان طبقه مسلط دوباره ظاهر شدند و طی فرآیند ناشی از این تحول، مزارع و روستاهای تیول‌داران پیشین به املاک شخصی آن‌ها و دیگران تبدیل شد (مرتضوی تبریزی، ۱۳۸۳: ۳۴-۳۰).

در این دوره مالکان بزرگ دو گروه بودند؛ گروه اول اعضای خانواده‌های حاکم (حکام ولایات) و امرای لشکری بودند که این عده، اراضی خود را از طریق ارث، غصب در زمان قدرت، خرید یا دریافت هدیه به دست آورده بودند. این گروه در روستا و مزارع ساکن نبودند و اغلب از طریق نمایندگان یا مباشران خود، اعمال قدرت نموده و سهم مالکانه خود را دریافت می‌داشتند. گروه دوم مالکان بزرگ، سران و رؤسای طوایف و ایلات بودند که در محل ساکن بودند.

با کودتای ۱۲۹۹ ه.ش و سپس قدرت گرفتن رضاخان، گروه دوم از مالکان یعنی سران طوایف و قبایل و حتی برخی از بزرگ مالکان قلع و قمع شدند. تضعیف آن‌ها موجب تقویت مالکیت شهرنشینان از جمله نظامیان، اصناف و تجار گردید (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۵۳)؛ اما اغلب روستاها و مزارع شهرهای بزرگ هنوز به بزرگ مالکان تعلق داشت (لمبتون، ۱۳۹۸: ۱۴۹).

در دوره پهلوی دوم به ویژه دهه ۴۰ شمسی ساختار اجتماعی کشور از اقتصادی کشاورزی به جامعه‌ای شبه صنعتی تغییر کرد و اصلاحات ارضی با ایجاد تغییر در ساختار نظام ارباب و رعیتی، زمینه را برای دگرگونی اجتماعی در روستاهای ایران فراهم کرد (بهشتی و راعی، ۱۳۹۵: ۷۴). دولت با اجرای قوانین اصلاحات ارضی از مالکین مزارع خواست تا خانه، مسکن و یا زمینی که رعیت در آن به زندگی و کار گماشته شده بود، را به او ببخشند و در عوض سهام کارخانجات صنعتی را از دولت دریافت نمایند (بشیریه، ۱۳۹۳: ۵۲). در جریان این اصلاحات و با عزیمت تعدادی از مالکان به خارج از کشور و

شهرهای بزرگ بسیاری از مزارع به ویژه قاضی‌بالا شکل و کارکرد اصلی خویش را از دست دادند و مالکین آن‌ها پراکنده شده و مهاجرت کردند.

مالک مزرعه قاضی‌بالا در این دوره لطفعلی‌خان وفایی بود و به عنوان یکی از ملاکین به مجلس ملی ایران راه یافته بود. او علی‌رغم میل باطنی، زمین‌های کشاورزی و خانه‌های رعیتی را به رعایا واگذار کرد؛ اما هسته اصلی مزرعه و بخش اربابی را برای خانواده خویش حفظ کرد. علاوه بر آن خشکسالی بزرگی در دهه ۴۰ در ایران اتفاق افتاد و موجب شد که رعایا علی‌رغم مالکیت بر زمین کشاورزی، آن را رها کرده و برای کارگری در کارخانه‌ها به شهرهای بزرگ پیرامون مهاجرت کنند. عکس هوایی سال ۱۳۴۷ شمسی نشان می‌دهد که عناصر اصلی مزرعه هنوز سالم و پایدار هستند. کشتخوان‌ها، قنوات، آب‌انبار و عمارت اربابی و رعیتی دست‌نخورده به نظر می‌رسند، اما خاصیت تولیدی و مولد خود را از دست داده بودند (عکس ۱ و ۶).

۳،۲،۴. پس از انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران، مالکیت خصوصی را محترم شمرد؛ اما با طبقه اشراف و وابسته به دوره پهلوی زاویه داشت (دهقان نژاد و ستوده، ۱۳۸۹). بنابراین بسیاری از اربابان یا فرزندان آن‌ها که مالک مزارع و زمین‌های کشاورزی بودند، دست به مهاجرت زدند و از کشور خارج شدند. در جریان این تحولات اجتماعی و سیاسی بسیاری از مزارع که از دوره‌های گذشته باقی مانده‌اند، یا مالک نداشتند و یا توسط رعایا به طرز نامطلوبی نگهداری می‌شدند. تعدادی از آن‌ها نابود شده و شکل، کارکرد و ماهیت خود را از دست دادند و یا تبدیل به روستا و تفرج‌گاه‌های فصلی و بیلاقی شدند.

بعد از انقلاب اسلامی جریان زندگی در مزرعه قاضی‌بالا نیز تغییر کرد. این مزرعه بر اساس تقسیمات اداری و سیاسی تبدیل به روستا شد و عمارت اربابی پس از مرگ لطفعلی‌خان، مالک پیشین مزرعه در دوره پهلوی، به نازنین وفایی به عنوان مالک بعدی سپرده شد (عکس ۵) و بخش بزرگی از مزرعه که به رعایا داده شده بود، در حال ویرانی

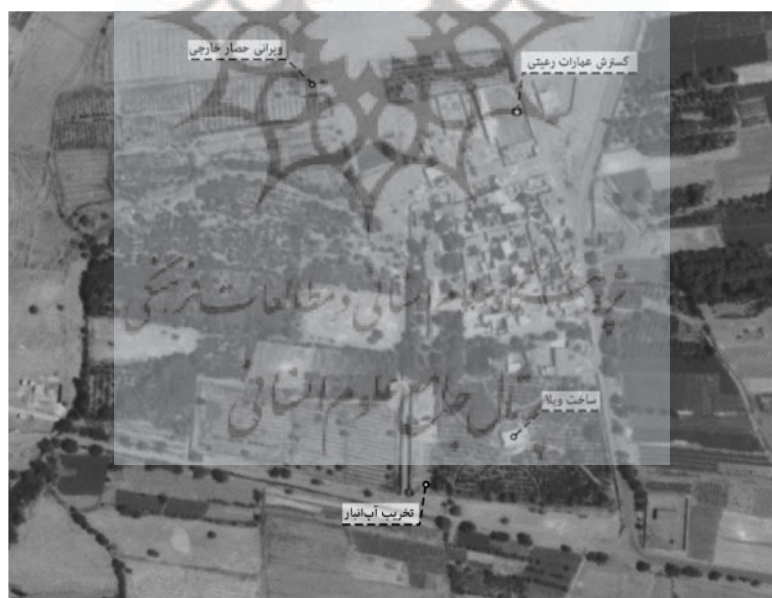
بود. در این برهه جمعیت فعال ثابت و شناور از ۲۶۶ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۸۵ نفر در سال ۱۳۷۵ رسید، منابع آبی اندکی وجود داشت و کشاورزی نیمه فعال بود (طرح هادی روستای قاضی‌بالا، ۱۳۸۷: ۲۸).

حصار اول در اثر زمین‌لرزه سال ۱۳۵۹ از بین رفت و حصار دوم نیز در حال نابودی بود، اما همچنان کشاورزی توسط مالکان جدید و رعیت‌های قدیمی به صورت ناچیزی در حال انجام بود. رعیت‌ها مستقل شده بودند و اغلب زمین‌های کشاورزی را فروخته و به شهرهای دور و نزدیک مهاجرت کردند (وفایی، ۱۳۹۸). و یا در همان نقطه شروع به ساخت‌وسازهای بدون قاعده کردند (عکس ۷). پس از عبور از دهه ۷۰ شمسی، ساخت‌وساز وسیع‌تر شده و به سمت شمال گسترش پیدا کرد (عکس ۸). کشاورزی توسط مالکان جدید پُر تعداد در قامت خُرده‌کاری انجام می‌شد و حصار بیرونی مزرعه به‌طور کامل از بین رفت.

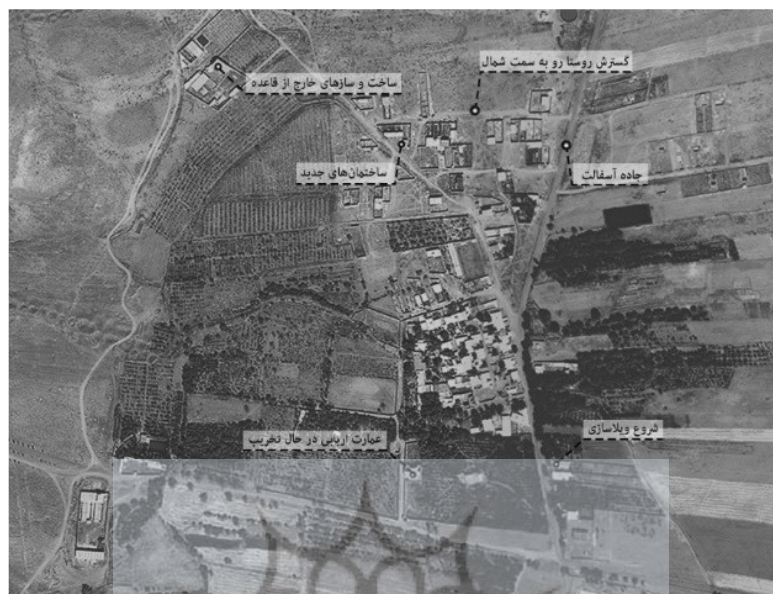
عکس ۹ وضعیت کنونی مزرعه قاضی‌بالا و روستای قاضی‌بالا را نشان می‌دهد. در این وضعیت هسته تاریخی و اصلی مزرعه متروکه شده و تمرکز سکونت در جبهه شمالی قاضی‌بالا قرار دارد. پس‌از آن و در دهه ۸۰ شمسی بازماندگان و اخلاف اربابان مزرعه قاضی‌بالا و فرزندان لطفعلی خان وفایی این مزرعه و عمارت اربابی آن را در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسانده‌اند (مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قم، ۱۳۹۸) و در حال مرمت و احیاء مزرعه اربابی پدران‌شان بر اساس مطالعات تاریخی و معماری هستند تا فرآیند پایداری مزرعه را در مدار پیشین قرار دهند.



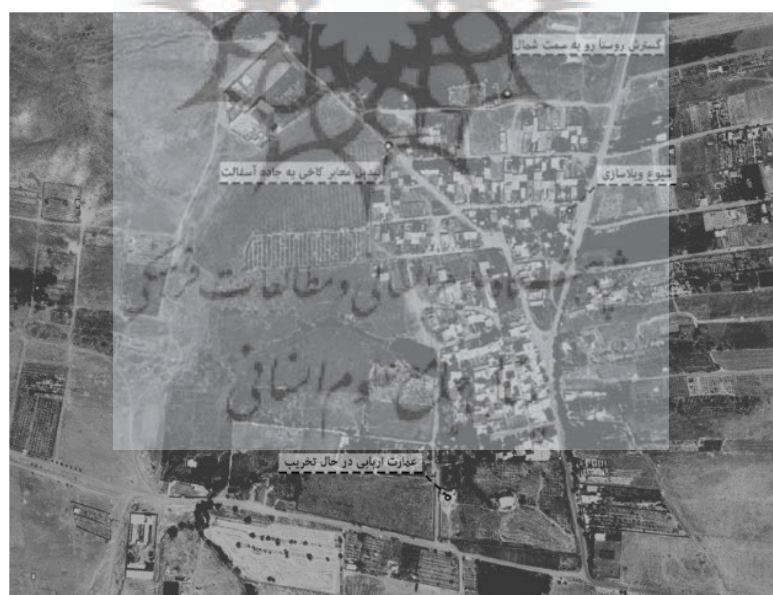
عکس ۵- مزرعه قاضی بالا در سال ۱۳۴۷ ه.ش (نگارنده، ۱۴۰۲).



عکس ۶- مزرعه قاضی بالا در سال ۱۳۵۹ ه.ش (نگارنده، ۱۴۰۲).



عکس ۷- مزرعه قاضی بالا در سال ۱۳۵۹ ه.ش (نگارنده، ۱۴۰۲).



عکس ۸- مزرعه قاضی بالا در سال ۱۳۹۹ ه.ش (نگارنده، ۱۴۰۲).

۵. بحث و نتیجه گیری

بررسی سیر تحول اجتماعی و کالبدی در مزرعه قاضی بالا نشان می‌دهد که تحولات و تغییرات نظام مالکیت اربابی از قرن ۱۹ تاکنون به چندین عامل اصلی بستگی داشت. این عوامل موجب تحولات کالبدی و کارکردی در مزارع تاریخی مشابه نیز بودند، زیرا اغلب مزارع مسکون ایران در اقلیم گرم و خشک با تشابه جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته بودند و چرایی پیدایش آن‌ها، تابعی از معادلات پیچیده اقتصاد حکومتی، سیاسی و امور دیوانی بود و در پهنای ایران با اصول فقهی، اقتصادی و اجتماعی یکسان بهره‌برداری و مدیریت می‌شدند؛ بنابراین می‌توان این تحلیل را به اغلب مزارع اقلیم گرم و خشک^۱ نیز تعمیم داد. عوامل اصلی عبارت‌اند از:

- عوامل طبیعی و جغرافیایی
- عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
- عوامل اقتصادی
- عوامل انسانی

۱.۵. عوامل طبیعی و جغرافیایی

در بررسی دوره‌های تحول مزارع ایرانی در قرن ۱۳ و ۱۴ شمسی نقش عوامل جغرافیایی پررنگ است. مکان‌یابی مزارع بر اساس اقلیم و جغرافیا تعیین می‌شد. ایجاد مزرعه مستقل یا منظومه‌ای^۲ وابسته به توپوگرافی، آب^۳ و حاصلخیزی منطقه بود (فرمانفرما،

۱. در فرآیند شناسایی مزارع در اقلیم گرم و خشک ایران، ۲۸ مزرعه در پیرامون کاشان و ۵ مزرعه در پیرامون قم، ۱۰

مزرعه در پیرامون یزد و ۱ مزرعه در پیرامون اصفهان مورد شناسایی و بررسی قرار گرفتند.

۲. مزارعی که در یک محدوده با توجه به جغرافیا و منابع آبی با فاصله‌ای اندک در کنار یکدیگر شکل گرفته و ارتباط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشتند و گاه در مالکیت یک یا چند ارباب بودند.

۳. آب یک منبع اصلی برای آبادانی و نگهداشت مزارع ایرانی محسوب می‌شد (افشار، ج ۱، ۱۳۷۴: ۱۱۶). به‌عنوان مثال

۲۷ مزرعه مسکون نیاسر از آب چشمه اسکندریه بهره می‌گرفتند. هریک از مزارع، قناتی مخصوص داشتند (ضرابی، ۱۳۸۷: ۹۰). بسیاری از مزارع حاشیه کویر از منابعی مانند؛ قنات، چشمه و چاه استفاده می‌کردند (حکمت یغمایی،

۱۳۸۳: ۱۶۲). علاوه بر آن، امنیت (شفیعی، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۳)، تماشای منظر و تفرج (اعتمادالسلطنه، ج ۲، ۱۳۶۸: ۲۱۹۷) که ارتباط نزدیکی با جغرافیا دارند، در شکل‌گیری مزارع اربابی مهم تلقی می‌گردید. راه و دسترسی نیز بخشی از نظام جغرافیایی در مزارع ایرانی بوده و دسترسی به شاهراه‌ها و جاده‌های تجاری در اولویت بود.

مقدار راه و فواصل اشاره‌شده در نوشته‌های (ضرابی، ۱۳۳۵)؛ (افضل الملک، ۱۳۶۰) و (فرمانفرما، ۱۳۶۳) نشان می‌دهد که مزارع ایرانی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر تعامل داشتند. با این وجود اغلب آن‌ها از ابتدای شکل‌گیری تاکنون توسط عوامل زیست‌محیطی، اقلیمی و عامل زمان دچار آسیب و ویرانی شدند.

در اسناد زیادی اشاره‌شده است که خشکسالی و به‌تبع آن خشک شدن قنات‌ها و شور شدن آب‌های زیرزمینی از عوامل اصلی ترک قله‌ها و مزارع به حساب می‌آمد (توانگر مروستی، ۱۳۹۴: ۲۹۴). علاوه بر آن، عوامل طبیعی دیگری چون؛ باد، طوفان، تگرگ، زلزله^۱ و سیل باعث مسدود شدن مجاری آبیاری و قنات‌ها می‌شد و مزرعه را به کام ویرانی می‌برد (افشار، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۶). گاهی مزرعه مخروبه و مندرس به‌طور کامل تخریب و از خاک آن برای کشت در مزرعه دیگری استفاده می‌گردید (ضرابی، ۱۳۳۵: ۱۱۷) و یا قنات پس از مرمت دوباره به خشکی می‌افتادند و باعث نابودی مزارع می‌شدند (بلاغی، ۱۳۶۹: ۳۰).

در همه موارد یادشده، مالکیت اربابی می‌توانست نقش مفیدی را ارائه کند؛ زیرا به لحاظ مالی، تجهیزاتی و نیروی انسانی توانمند بود و در پایش، نگهداری و سپس بازسازی پس از بحران‌های طبیعی فعال بود، اما پس از اصلاحات ارضی و وقایع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن ۱۹ و ۲۰ رعایایی که صاحب زمین کشاورزی شدند، توان اداره مزرعه و احیاء قنات‌ها را نداشتند و آن‌ها را کردند (حکمت یغمایی، ۱۳۶۹: ۸۴) و در این فرآیند بسیاری از مزارع از جمله قاضی‌بالا در قم، بالا عباس‌آباد در کاشان و گوررت در اصفهان نابود شدند.

۱. مانند زلزله دهه ۵۰ که آسیب فراوانی به مزرعه قاضی‌بالا زد (راعی، ۱۴۰۱).

۲,۵. عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

در خلال قرن ۱۹ و ۲۰ چهار عامل در مقیاس کلان تأثیر بسزایی در زیست مزارع ایرانی و تضعیف مالکیت اربابی داشتند:

- الغای تیول‌داری در اواخر دوره قاجار
- ایجاد امنیت نسبی در دوره پهلوی اول
- اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم
- تقسیمات اداری و سیاسی پس از انقلاب اسلامی ایران

برخی از این مزارع دارای مالکیت دیوانی و خالصه بودند و در تیول^۱ بزرگان و حاکمان منطقه قرار می‌گرفتند و مالک مزرعه می‌بایست بر اساس نوع واگذاری، مالیات دیوانی و یا لشکری پردازد یا با توجه به نوع خدمات، معاف از مالیات شناخته می‌شد (لمبتون، ۱۳۴۵). پس از انقلاب مشروطه ایران در سال ۱۲۸۵ شمسی و در روزهای نخستین انقلاب، تیول‌داری لغو شد و بسیاری از مزارع ایرانی (دهقان نژاد و ستوده، ۱۳۸۹: ۸۰-۹۱) از جمله قاضی‌بالا به همین ترتیب به خاندان خلج فروخته شد و آن‌ها ارباب این مزرعه شدند.

در دوره پهلوی اول امنیت نسبی در کشور برقرار گردید و از قدرت مالکان بزرگ کاسته شد و املاک فرزندان محمدحسین خان خلج نیز به همین منطقه محدود شدند و از گسترش آن جلوگیری به عمل آمد. در این دوره شکل‌گیری جاده‌ها و به تبع آن ایجاد امنیت، بسیاری از قلاع کشتخوانی و مزارع کارکرد خود را از دست داده و نابود شدند (توانگر مروستی، ۱۳۹۴: ۲۹۴). برخی از جاده‌ها از میان قلاع عبور کرده و آن را به دو قسمت تقسیم کرده بودند. بنابراین راه‌ها که در برهه‌ای از تاریخ عامل شکل‌گیری مزارع بودند، در برهه‌ای دیگر موجبات نابودی آن‌ها را فراهم کردند.

۱. اعطای زمین شاهی و دیوانی به جای حقوق به حاکمان و بزرگان کشور.

اما در دوره پهلوی دوم و با شروع اصلاحات ارضی طی سال‌های ۴۵-۱۳۴۱ ه.ش، توزیع مالکیت در ایران تغییر کرد و بی‌ربطی به سرمایه‌گذاری در زمین و حفظ و مراقبت از مزارع به وجود آمد (لمبتون، ۱۳۹۸: ۲۸). زمانی که املاک به رعیت سپرده شد، پس از مدتی به علت ناتوانی در اداره امور، مزارع خشک و ویران گردید و موجبات مهاجرت را پدید آورد (حکمت یغمایی، ۱۳۶۹: ۸۴). در این میان خط‌مشی مدیریت بسیاری از مزارع از جمله مزرعه قاضی بالا تغییر یافت و از اهداف اقتصادی به سوی اهداف تفریحی زاویه گرفت.

علاوه بر آن، سیاست‌گذاری‌های کلان دولت و به تبع از آن اقدامات کالبدی مردم موجب نابودی مزارع ایرانی شده است. تبدیل مزرعه به روستا پس از انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای از آن است که موجب شیوع ساخت‌وساز بی‌ضابطه توسط رعایا در اغلب مزارع به ویژه قاضی‌بالا گردید (تصویر ۸). هم‌اکنون روستاهایی وجود دارند که ساختار مزارع ایرانی در دل آن‌ها وجود دارد مانند مزرعه دولت‌آباد در قم؛ یا به‌اندازه یک روستا توسعه پیدا کردند مانند مزرعه شاه‌آباد در میبد.

۳.۵. عوامل اقتصادی

کلیه ارکان حکومتی در گذشته به‌نوعی به اقتصاد کشاورزی وابسته بوده‌اند (لمبتون، ۱۳۴۵: ۳۴) و این مقوله در تنظیم درآمدهای حکومت، نگهداری لشکر و ایجاد امنیت و ثبات مؤثر بوده است^۱. پژوهش بر روی مزرعه قاضی‌بالا نشان داده است که مزارع ایرانی دارای منافع اقتصادی ذیل بوده‌اند:

• درآمدهای مالیاتی که گاه به صد نوع می‌رسید (دهقان نژاد و ستوده، ۱۳۸۹: ۹۱-۸۰ و کریستینسن، ۱۳۷۴: ۴۰).

• تولیدات کشاورزی، دام‌پروری و صنایع دستی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد روستاها و حتی شهرها تأثیرگذار بود (توانگر مروستی، ۱۳۹۴: ۲۸۴).

۱. تا لشکر نباشد، دولت نیست. تا خراج نباشد، لشکر نیست. تا رعیت نباشد، خراج نیست. تا عدالت نباشد، رعیت نیست (اوسابتلی، ۱۳۸۷: ۱۸).

• مزارع وقفی بر اساس مفاد مندرج در وقف‌نامه‌ها نگهداری می‌شدند و درآمدهایی را نصیب واقف و آبادانی کشور می‌کرده است (اعظم واقفی، ۱۳۷۹: ۱۳۴).

مزارع در گذشته محصولات کشاورزی و دامی را بر اساس نیاز واقعی کشور تولید می‌کردند و هر یک نقش مهمی را در تولید برعهده گرفته بودند. بسیاری از آن‌ها به ویژه در مرکز ایران به تولید روغن، پنبه، ابریشم و صادرات به شهرهای داخل و خارج از کشور مشغول بودند، اما پس از بیماری کرم ابریشم در قرن ۱۹ نوع کشت در مزارع تغییر کرد و از درآمدهای پیشین کاسته شد (فلور، ۱۳۹۹).

علاوه بر آن، با تغییر نگاه اقتصادی کشور از کشاورزی به صنعت و آغاز شبه مدرنیته در ایران در قرن ۱۹ و ۲۰ مالکان و اربابان تغییر رویه دادند و از مزرعه‌داری به کارخانه‌داری و یا سیاست‌ورزی متمایل شدند. با از بین رفتن مالکیت اربابی زمین‌های کشاورزی تکه‌تکه شدند و ارزش تولیدی و اقتصادی در مقیاس کلان را از دست دادند و غالباً محصولات خرد مورد نیاز داخلی را تأمین می‌کردند. این فرآیند توسعه یافت و محدوده مزارع بدون زمین‌های کشاورزی، کوچک‌تر شده و اغلب آن‌ها مانند قاضی‌بالا تبدیل به تفرجگاه شدند.

۴,۵. عوامل انسانی

بررسی تحولات در مزرعه قاضی‌بالا نشان می‌دهد که وقوع حوادث، اتفاقات و تصمیم‌های مدیریتی بر پایه عوامل انسانی تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و نابودی مزارع داشته است؛ از قبیل:

- تغییر نظام مالکیتی مزرعه
- جنگ و غارت
- مرگ ارباب و مالک
- فروش و واگذاری مزرعه به رعایا
- تغییر نگرش اقتصادی مالکان

گاه تغییر مالکیت‌ها مانند آنچه در اغلب مزارع ایرانی به وقوع پیوسته است، وقوع جنگ و غارت به تدریج باعث نابودی یک مزرعه می‌شد^۱ و یا اگر مزرعه‌ای از طرف حاکم یا شاه توقیف شده و در زمره املاک شاهی قرار می‌گرفت، احتمال نابودی آن بیشتر بود؛ اما اگر مزرعه اربابی وقف می‌شد، بیشتر به حفاظت و آبادانی نزدیک می‌گردید. به همین دلیل بسیاری از حاکمان و متمولین از این راه به حفاظت از مزارع خود می‌پرداختند. علاوه بر آن، مرگ ارباب نیز موجب از بین رفتن مزرعه و تقسیم زمین‌های کشاورزی بین وراثت و سپس فروش به رعایا می‌شد (شفیعی، ۱۳۸۰)^۲ مانند مزرعه قاضی‌بالا و طرازآباد در یزد. به این ترتیب زندگی مزارع ایرانی وابسته به نوع نگاه و تصمیم مدیریتی ارباب و ساکنین آن بود. بیش‌ترین تأثیر زمانی بود که اربابان بر اثر فشارهای سیاسی ناشی از اصلاحات ارضی تصمیم گرفتند مزارع خود را به رعایا واگذار کنند و به امورات صنعتی پردازند.

۶. چشم‌انداز تحقیق

مقاله پیش‌رو سعی کرده است تأثیر تغییر و تحولات مالکیت اربابی در مزارع ایرانی در دوره‌های قاجار و پهلوی را بررسی نماید و در این مسیر از اسناد تاریخی و مطالعه میدانی بر مزرعه قاضی‌بالا بهره گرفته است. زیست این مزرعه شباهت زیادی با مزارع دیگر در اقلیم گرم و خشک دارد. تعداد اندکی از آن‌ها در طول ۱۰ سال گذشته در مرکز ایران شناسایی شدند و تعدادی ناشناخته و رها شده و در حال نابودی هستند. بسیاری از مردمی که در مزارع و پیرامون آن‌ها زندگی می‌کنند، تاریخ زیست آن‌ها را از یاد برده‌اند و شناخت درستی از این مجتمع‌های زیستی کوچک ندارند.

۱. حسنعلی‌خان افشار توضیح می‌دهد که جنگ داخلی در دوره محمدشاه قاجار باعث تخریب بخشی از مزرعه قاضی‌بالا شده بود (افشار، ۱۳۸۲: ۷۳-۷۴).

۲. شفیعی، (۱۳۸۰) در مقاله‌ای ضمن بیان چگونگی شکل‌گیری مزرعه نهجیر توضیح می‌دهد که پس از مرگ ارباب، فرزندان او قلعه را فروخته و یکی از رعایا آن را خریده و در آن زندگی می‌کند.

این مقاله سعی نموده است مفهوم اصیل و پیشین مزارع و سرگذشت زیست آن‌ها را یادآوری و تصحیح نماید. با معرفی و شناخت عمیق‌تر مزارع ایرانی و ثبت آن‌ها در فهرست آثار ملی می‌توان آن‌ها را از ویرانی نجات داد و به لحاظ حقوقی از آن‌ها حفاظت کرد^۱. در این صورت دولت ایران وظیفه دارد مزارع تاریخی را مرمت و نگهداری نماید. علاوه بر آن بسیاری از مزارع از جمله قاضی‌بالا می‌توانند با همان نظام مالکیت شخصی در قالب یک مزرعه تاریخی به فعالیت در زمینه‌های آگری توریسم و فارم توریسم پردازند و به احیاء نظام کشاورزی بر اساس نظام آبرسانی مدرن و استفاده از گونه‌های گیاهی و درختی بومی پردازند و به اقتصاد منطقه کمک کنند.

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد آن‌ها می‌توانند ارتباط مناسبی با GIAHS^۲ داشته باشند باشند و در فهرست میراث کشاورزی جهانی به ثبت برسند^۳. پنج معیار جیاس می‌تواند با مزارع ایرانی انطباق داده شود و در یک پژوهش مستقل مورد بررسی قرار گیرد. همچنین بررسی تشابهات و تفاوت‌های کالبدی و غیر کالبدی مزارع ایرانی با فارم استدها در اروپا و آمریکا در آینده می‌تواند دایره پژوهش را وسیع‌تر نماید و به معرفی بیشتر آن‌ها در حوزه‌های داخلی و بین‌المللی یاری برساند.

ORCID

Soheila Yousofvand  <http://orcid.org/0000-0002-1914-793>

۱. مانند مزرعه قاضی‌بالا که توسط مالکان جدید در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد و از تخریب نجات یافت.

2. Globally Important Agricultural Heritage System

۳. کمیته ملی «جیاس» در سال ۱۳۹۳ در وزارت جهاد کشاورزی ایران به نام نیاس (NIAHS) تشکیل شد و پرونده‌هایی چون؛ سیستم آبیاری قنات، عشایر کوچ‌نشین ایل قشقایی در آن مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند (جوافشان و یشکایی، ۱۳۹۴: ۱۸).

منابع

- ادوارد پولاک، یاکوب. (۱۳۶۱)، سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه: کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۸)، مرآه‌البلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، جلد ۱ و ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اعظم واقفی، سید حسین. (۱۳۷۴)، میراث فرهنگی نطنز، آثار تاریخی، آداب، سنت‌ها و تاریخ نطنز، جلد ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۴)، یادگارهای یزد، معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی شهر یزد، جلد ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- افشار، حسن علی خان. (۱۳۸۲)، سفرنامه لرستان و خوزستان، تصحیح حمیدرضا دالوند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افضل‌الملک، غلامحسین خان. (۱۳۵۵)، کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم. مجله فرهنگ ایران‌زمین، شماره ۲۲: ۶۷-۱۵۰.
- افضل‌الملک، غلامحسین خان. (۱۳۶۰)، سفرنامه خراسان و کرمان، به اهتمام قدرت‌الله روشنی، تهران: انتشارات توس.
- امین لشکر، قهرمان. (۱۳۷۴)، روزنامه سفر خراسان به همراهی ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۰)، به کوشش ایرج افشار و محمد رسول دریاگشت، تهران: انتشارات اساطیر.
- اواسابتلی، ماریا. (۱۳۸۷)، «باغ ایرانی: واقعیت و خیال»، گلستان هنر، شماره ۱۲: ۱۶-۲۹.
- بشیری، حسین. (۱۳۹۳)، «فروپاشی دولت مطلقه»، مهنرنامه، شماره ۳۸: ۵۲.
- بلاغی، سید عبدالحججه. (۱۳۶۹). تاریخ نائین، تهران: چاپخانه طهوری.
- بهشتی، سید محمد و راعی، حسین. (۱۳۹۵)، «مزارع مسکون تاریخی در ایران؛ از آغاز تا دوره صفویه»، مجله علمی و ترویجی اثر، دوره ۳۷، شماره ۷۴: ۳-۲۲.
- پسندیده، محمود. (۱۳۹۴)، اسناد و موقوفات مدارس تاریخی حوزه علمیه مشهد، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- پیگولوسکایا، نیناویکتوروونا. (۱۳۶۷)، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه: رضا عنایت‌الله، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

نقش مالکیت اربابی در زیست مزارع ایرانی در...، راعی | ۳۳

- توانگر مروستی، مجید. (۱۳۹۴)، قلعه روستاهای تاریخی منطقه هرات و مروست استان یزد، انتشارات سبحان نور.
- جوافشان ویشکایی، ساسان. (۱۳۹۴)، شناسایی و تهیه گزارش میراث جهانی کشاورزی ایران (منطقه مرکزی)، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.
- جیحانی، حمیدرضا و عمرانی، آتوسا. (۱۳۹۳)، «قصر و بانوی عظمی». بازشناسی یک باغ در شرق اصفهان»، مجله علمی و ترویجی اثر، شماره ۶۵: ۵۰-۳۳.
- حبیب‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۶۴)، مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار، اصفهان: انتشارات نفایس مخطوطات.
- حسینی یزدی، سید رکن‌الدین. (۱۳۴۱)، جامع‌الخیرات، به کوشش ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انتشارات فرهنگ ایران‌زمین.
- حکمت یغمایی، عبدالکریم. (۱۳۶۹)، بر ساحل کویر نمک، تهران: انتشارات توس.
- خسروی، خسرو. (۱۳۵۲)، نظام‌های بهره‌برداری از زمین در ایران (از ساسانیان تا سلجوقیان)، تهران: انتشارات شبگیر، چاپ دوم.
- دهقان نژاد، مرتضی و ستوده، مولود. (۱۳۸۹)، «فرمان‌گذاری خالصجات در اصفهان در دوره ناصرالدین‌شاه (تبدیل زمین‌های دولتی به زمین‌های اربابی، به‌طور مشروط)»، فصلنامه گنجینه اسناد، دوره ۳، شماره ۲۰: ۸۰-۹۱.
- راعی، حسین و بیگلری، محسن. (۱۴۰۰)، «انشاء مزرعه دولت‌آباد قم، از آغاز تا اضمحلال»، معماری اقلیم گرم و خشک، دوره ۹، شماره ۱۳: ۵۹-۷۷.
- راعی، حسین. (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر معماری مزارع در ایران. مجله میراث ملی، معاونت میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، دوره ۱، شماره ۴: ۱۱۶-۱۲۱.
- راعی، حسین. (۱۳۹۶)، «در جستجوی مزارع مسکون اربابی در نیاسر»، مجموعه مقالات همایش باغ‌های تاریخی، دانشگاه کاشان، ۲۳۰-۲۵۱.
- راعی، حسین. (۱۳۹۹)، «نظام شکل‌دهنده در معماری مزارع تاریخی با نگاه به مزارع طراز‌آباد، گورث و نهچیر»، معماری اقلیم گرم و خشک، دوره ۸، شماره ۱۱: ۴۹-۷۶.

- راعی، حسین. (۱۴۰۰)، «قابلیت‌های پنهان در مزارع مسکون تاریخی نیاسر»، نشریه معماری و شهرسازی ایران، دوره ۱۲، شماره ۱: ۱۷۴-۱۵۷.
- راعی، حسین. (۱۴۰۰)، «گونه‌شناسی مزارع تاریخی در اقلیم گرم و خشک با تکیه بر ویژگی‌های کالبدی و کارکردی آن»، معماری اقلیم گرم و خشک، دوره ۹، شماره ۱۴: ۲۷-۴۸.
- راعی، حسین. (۱۴۰۱)، «بررسی جایگاه مزارع مسکون تاریخی در نظام «زمانی- مکانی- فضایی» ایران»، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، دوره ۹، شماره ۱۷: ۲۲۱-۲۴۸.
- رنه دالمانی، هانری. (۱۳۷۸)، از خراسان تا بختیاری، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران: فرهنگ نشر نو.
- شفیعی، محمدرضا. (۱۳۸۰)، «قلعه نهچیر؛ میراثی از اوایل قاجار»، فرهنگ اصفهان، شماره ۲۰: ۵۳-۵۹.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. (۱۳۸۸)، استاد معماری ایران، دفتر اول، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- طالب، مهدی و عنبری، موسی. (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی روستایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- طرح هادی روستای قاضی‌بالا. (۱۳۸۷)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان قم.
- ظل‌السلطان، مسعود میرزا. (۱۳۶۸)، خاطرات ظل‌السلطان، جلد ۱، ۲، ۳، به اهتمام و تصحیح حسین خدیو جم، تهران: انتشارات اساطیر.
- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا. (۱۳۸۳)، مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
- فلور، ویلم. (۱۳۹۹)، کشاورزی ایران در دوره قاجار، ترجمه: شهرام غلامی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فوران، جان. (۱۳۷۸)، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفوی تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه: احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۸۶)، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ترجمه: مجتبی مینوی طهرانی، تهران: نشر اساطیر.
- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم. (۱۳۸۷)، تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- لمبتون، آن کاترین سو این فورد. (۱۳۴۵)، مالک و زارع در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لمبتون، آن کاترین سو این فورد. (۱۳۹۸)، اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه: مهدی اسحاقیان، تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ چهارم.
- محمدمراد، اصغر؛ صالحی کاخکی، احمد و راعی، حسین. (۱۳۹۵)، «آغازی بر فهم مزارع مسکون تاریخی در یزد»، پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۴، شماره ۴: ۱-۱۹.
- مرتضوی تبریزی، مسعود. (۱۳۸۳)، مهاجرت روستاییان به شهرها و تأثیرات اقتصادی و سیاسی آن در دوره پهلوی دوم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قم. (۱۳۹۸).
- مستوفی بافقی، محمد مفید. (۱۳۴۲)، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اسدی.
- مصاحبه با حاج عظیم، رئیس شورای روستا. (۱۳۹۹).
- مصاحبه با محمد وفایی و دسترسی به آرشیو خاندان وفایی. (۱۳۹۸).
- ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۵۴)، سفرنامه عتبات ناصرالدین شاه قاجار، زیر نظر: ایرج افشار، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۷۳)، شهریار جاده‌ها، سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات، به کوشش محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- نظری داشلی برون، زلیخا؛ حاجی علی محمدی، هما؛ رهو، روشنگر و ترابزاده، عباس. (۱۳۸۴)، مردم‌شناسی روستای ایبانه، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم‌شناسی با همکاری اداره کل آموزش فرهنگی.

- Afshar, H.A.KH. (2003). *Travelogue of Lorestan and Khuzestan* (H. Dalvand Ed.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Afshar, I. (1995). *Yazd monuments, The introduction of historic buildings and ancient monuments of Yazd city*. Tehran: Association of Cultural Works and Honors [In Persian].
- Afzal Al-Molk, GÖLĀM-HÖSAYN. (1976). Booklet Detailing and States of Dar-ol-Iman-e Qom. *Farhang-e Iran Zamin*, (22), 67-150 [In Persian].

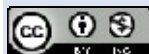
- Afzal Al-Molk, GÖLĀM-ĤOSAYN. (1981). *Khorasan and Kerman Travelogue*. Tehran: Toos Publications [In Persian].
- AMĪN(-E) LAŠKAR, MĪRZĀ QAHRAMĀN. (1995). *Khorasan Trip Newspaper together with Naser al-Din Shah*. Tehran: Asatir Publications [In Persian].
- Azam Vaghefi, S.H. (1996). *Natanz Cultural Heritage*, Vol. 4. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Balaqi, A. (1990). *Naeen's History*. Tehran: Tahoori Publications [In Persian].
- Bashiriyeh, H. (2014). Collapse of Absolutism. *Mehrnameh*, (38), 52 [In Persian].
- Beheshti, S.M., & Raie, H. (2016). Historic residential farms in Iran; From the beginning to the Safavid period. *Athar*, 37(74), 3-22 [In Persian].
- Brock, D.W.H., Heath, B.J., & Grissino-Mayer, H.D. (2017). Dendroarchaeology at the Tipton-Haynes State Historic Site: Contextualizing the landscape of an Upland South farmstead in East Tennessee, USA. *Dendrochronologia*, 43, 41- 49.
- Dehqannejad, M., & Sotudeh, M. (2010). Rulership of Lands in Isfahan During the Reign of Naser al-Din Shah (Conditional Conversion of State Lands into Feudal Lands). *Quarterly Journal of Documents of Treasures*, 3, 80-91 [In Persian].
- Document Center of the General Office of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Qom Province. (2019).
- Edward Pollack, J. (1982). *Pollack's travelogue of Iran and the Iranians* (K. Jahandari Trans.). Tehran: Kharazmi Publications [In Persian].
- Etemad-ol-Saltaneh, M.H.Kh. (1990). *Meraa't al-Baladan*. Tehran: Tehran University Publications.
- Farmanfarma, A.H. (2004). *Kerman and Baluchestan Travelogue Letter* (I. Afshar Ed.). Tehran: Asatir Publications [In Persian].
- Floor, W.M. (2003). *Agriculture in Qajar Iran* (Sh. Gholami Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company [In Persian].
- Foran, J. (1999). *The Fragile Resistance of the History of Social Developments in Iran from Safavid to the Post- Revolutionary Years* (A. Tadayon Trans.). Tehran: Rasa Cultural Services Institute [In Persian].
- Ford, B. (2008). The Presentation of Self in Rural Life: The Use of Space at a Connected Farmstead. *Historical Archaeology*, 42, 59-75.

- Habib Abadi, M.M. (1985). *Makarem-al- Asar dar Ahval-e Rejal-e Dore-ye Qajar*. Isfahan: Nafayes-e Makhtootat Publications [In Persian].
- Hekmat Yaghmayi, A. (1990). *On the Shore of the Salt Desert*. Tehran: Toos Publications.
- Hosseini-Yazdi, S. R. D. (1962). *Jame al-Kheirat* (I. Afshar and M. T. Daneshpajoooh Ed.). Tehran: Farhang Iran Zamin Publications [In Persian].
- Interview with Haj Azim, Head of the Village Council. (2019).
- Interview with Mohammad Vafaei and access to the archives of the Vafaei Family. (2019).
- Jeyhani, H., & Omrani, A. (2014). Palace and Garden of Banū 'Ozma, Re-Identification of a Qajarid Garden in East of Isfahan. *Athar Journal*, 35(65), 33- 50 [In Persian].
- Joafshan Vishkaei, S. (2015). *Identifying and writing a report on Iran's World Agricultural Heritage (Central Region)*. Tehran: Ministry of Agricultural Jihad, Research Institute for Planning Agricultural Economy and Rural Development [In Persian].
- Kalantar-Zarabi, A. (1999). *History of Kashan* (Iraj Afshar Ed.). Tehran: Amirkabir Publications [In Persian].
- Kristensen, A. (1995). *The nation, the State, and the Court during the Sassanid Empire* (M. Minavi Trans.). Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Lambton, A.K.S. (1966). *Owner and Farmer in Iran* (M. Amiri Trans.). Tehran: Book Translation and Publishing Company [In Persian].
- Lee, N.K. (2020). Race, Socioeconomic Status, and Land Ownership among Freed African American Farmers: The View from Ceramic Use at the Ransom and Sarah Williams Farmstead, Manchaca, Texas. *Historical Archaeology*, 54, 404– 423.
- MohammadMoradi, A., Salehi Kakhki, A, & Raie, H. (2017). An Inception on the Perception of the Inhabiting Farmsteads in Yazd. *JRIA*, 4(4), 1-21 [In Persian].
- Mortazavi Tabrizi, M. (2013). *Migration of Villagers to Cities and its Economic and Political Effects during the Second Pahlavi Era*. Islamic Revolution Documentary Center [In Persian].
- Mostowfi Bafqi, M.M. (1963). *Jame-e Mofidi* (I. Afshar Ed.). Tehran: Asadi Publications [In Persian].

- Naser al-Din Shah Qajar. (1975). *Naser al-Din Shah Qajar's Travelogue of the Holy Shrines* (I. Afshar Ed.). Tehran: Farhang-e Iran-Zamin publications [In Persian].
- Naser al-Din Shah Qajar. (1994). *Shahriyar-e Jade-ha: Naser al-Din Shah Qajar's Travelogue of the Holy Shrines* (M.R. Abbasi and P. Badiie Ed.). Tehran: The National Archives of Iran [In Persian].
- Nazari Dashli Burun, Z., Haji Ali Mohammadi, H., Rahoo, R., & Torabzadeh, A. (2005). *Anthropology of Abianeh village*. Tehran: Cultural Heritage and Tourism Organization, Institute for Humanities Studies with cooperation of General Office of Cultural Affairs [In Persian].
- Ovasabtelni, M. (2008). Iranian garden: Reality and Fantasy. *Golestan Art*, 12, 16- 29 [In Persian].
- Pasandideh, M. (2015). *Documents and Endowments of Historical Schools of Mashhad Seminary*. Mashhad: Bonyad-e Pazhouhesh-haye Eslami [In Persian].
- Pigulevskaya, N. V. (1988). *Iranian Cities during the Parthians and Sassanids* (R. Enayatollah Trans.). Tehran: Elmi va Farhangi Publications [In Persian].
- Qazibala village Action Plan. (2008). Islamic Revolution Housing Foundation of Qom Province [In Persian].
- Raie, H. (2010). An Introduction to Farmstead Architecture in Iran. *National Heritage Magazine*, 1(4), 116-121 [In Persian].
- Raie, H. (2020). The System Forming the Architecture of the Historical Farmlands in the Central Plateau of Iran. *Journal of Architecture in Hot and Dry Climate*, 8(11), 49-76 [In Persian].
- Raie, H. (2021). Hidden capabilities in historical farmstead of Niasar. *Journal of Iranian Architecture and Urbansim*, 12(1), 157- 174 [In Persian].
- Raie, H. (2022). Investigating the Locality of Historical Farmsteads in the Geographical System of Iran. *Indigenous Knowledge*, 9(17), 221- 248 [In Persian].
- Raie, H. (2022). Typology of historic farmsteads in hot and dry climates Relying on its physical and functional characteristics. *Journal of Architecture in Hot and Dry Climate*, 9(14), 27-48 [In Persian].
- Raie, H., & Biglari, M. (2021). Construction of Dulatabad Farmstead in Qom, from the beginning to the end. *Journal of Architecture in Hot and Dry Climate*, 9(13), 59-77 [In Persian].

- Raie, H., & Kamrani, A. (2021). Study of the Characteristics of Historical Farmsteads in Iran. *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 31(4), 1-8 [In Persian].
- Rene D'Allemagne, H. (1999). *From Khorasan to Bakhtiari* (Gh. Saeedi Trans.). Tehran: Farhang-e Nashrenow [In Persian].
- Shafiei, M.R. (2001). Nahchir Castle; A legacy from the early Qajar. *Culture of Isfahan*, 20, 53- 59 [In Persian].
- Sheykh-al-Hokamayi, E. (2009). *Architectural Documents of Iran*. Tehran :Matn Institute of Authoring, Translating and Publishing Artistic Works [In Persian].
- Taleb, M., & Anbari, M. (2008). *Rural sociology*. Tehran: Tehran University Publications [In Persian].
- Tavangar Marvasti, M. (2015). *Historical Castle and Villages of Herat and Marvast Region of Yazd provinc*. Tehran: Sobhan Noor Publications [In Persian].
- Wilson, J. S. (1990). We've got thousands of these! What makes an historic farmstead significant?. *Historical Archaeology*, 24, 23–33.
- Zell-e Soltan, M.M. (1989). *Zell-e Soltan Memories*. Tehran: Asatir Publications [In Persian].

استناد به این مقاله: راعی، حسین. (۱۴۰۳). نقش مالکیت اربابی در زیست مزارع ایرانی در دوره‌های قاجار و پهلوی با نگاه ویژه به مزرعه قاضی بالا در قم، دو فصلنامه دانش های بومی ایران ، ۱۱(۲۱)، ۱-۳۹.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.